

سال بیست و سوم
شماره ۵

اگرچه

خرداد ماه ۱۳۲۷ شمسی

تاسیس بهمن ماه ۱۳۹۸ شمسی

(موسس : مرحوم وحید دستگردی)
(مدیر و نگارنده : وحید زاده - نسیم دستگردی)

باز هم خطر زبان

بتصدیق تمام دانشوران و علمای علم اجتماع نخستین عاملی که ملیت و استقلال ملتی را در برابر حوادث و سوانح داخلی یا خارجی حفظ و حراست مینماید و از انقراض و نیستی آن در مقابل خطرات جلوگیری می کنند زبان و ادبیات می باشد .

عوامل دیگر چون نژاد ، مذهب ، موسیقی ، نقاشی و افسانه های ملی هر کدام بمنزله نگهبانانی هستند که ضامن بقا و حیات ملل اند ولی بتجربه ثابت گردیده که زبان و ادبیات بر همه آنها مقدم میباشد این اصل و آنها فروغ اند .

ملتی که پاس زبان خود را نگاه ندارد و با نظر احترام و تکریم بدان ننگرد و نسبت بافتخارات خویش که اساس ملیت را تشکیل میدهد بیعلاقه باشد از انقراض و هلاکت مصون نمانده با يك ضربات دشمنان از پای در آید و برای همیشه در ورطه نیستی و فراموشی افتد .

در ادوار پیشین جهانگیران برای اینکه ممالک مفتوحه را جزء قلمرو خویش قرار دهند و از قیام و نهضت ملل مغلوب بکلی جلوگیری کرده باشند بزور شمشیر

زبان و لغت خود را با اقوام شکست خورده و زبون تحمیل میکردند.

دول استعماری در عصر حاضر بطرق مختلفی در کشورهای عقب مانده برای انتشار زبان و لغت خویش اعمال نفوذ میکنند. طریق مزبور یا بوسیله زور و قدرت و یا بوسیله ایجاد مدارس و انجمنهای روابط فرهنگی و غیره میباشد.

بحقیقت میتوان گفت تنها قوه ای که در طول سه چهار هزار سال تاریخ میهن و ملیت ما را در مقابل آن همه تهاجمات و کشتار و ویرانی های اقوام وحشی و سیاست های استعماریان کنونی محافظت کرده زبان و ادبیات بوده است. حکومت چندین ساله اسکندر و سرداران او در ایران و خرابی های بیحد و حصر و آتش زدن کتابخانه سلطنتی در تخت جمشید و انتشار لغت و آداب یونانی و کوشش برای از بین بردن آیین زردشتی دیری نپایید و پس از مدت کوتاهی بازوی توانای اردشیر بکمک نیروی فکری رجال و بزرگان مملکت بساط آشوب را درهم نوردید زبان و دین و کشور را از خطر نجات داد.

تاخت و تاز نازیان ضربت سهمگین تری بود که بر پیکر ایران وارد آمد. لغت و زبان عرب جایگزین زبان پهلوی گردید، کتابخانهها طعمه آتش قرار گرفت، آداب و رسوم باستانی از خاطره ها فراموش شد، شهرنشینان به عربی تکلم کردند، نویسندگان و فضلاء آثار و کتب خود را بعبری نوشتند، اینحال مدت دو قرن یا بیشتر ادامه پیدا کرد.

در خلال دوره تسلط و قدرت عرب دانشمندان و راد مردان مترصد زمان و وقت مناسب بودند، در آواخر خلافت بنی امیه زمان مساعد بود، نهضت ها بر پا گردید و روز انتقام فرارسید. شالوده خلافت بنی عباس بدست ابومسلم ایرانی نهاده شد، ایرانیان بر کارها مسلط گردیدند و زمام امور تمام ممالک مفتوحه اسلامی در کف با کفایت ایشان قرار گرفت.

زبان پارسی که نزدیک بدو قرن ونیم متروک مانده بود دوباره از دشت و کپسار و روستا بشهرها معاودت کرد و جانشین زبان و لغت تازی گردید.

علماء و فضلاء با ذوق ایرانی از ترکیب لغات پهلوی با کلمات فصیح عرب زبان

شیرین فارسی امروز را بوجود آوردند که از لحاظ فصاحت و بلاغت بی نظیر و آثار نویسندگان بزرگش بیهمال و زبانزد عالمیان میباشد.

حمله و تاخت و تاز مغول فتنه عظیم و جانکدازی بود که سرزمین وسیع ایران را که مرکز علم و ادب و کانون تمدن اسلامی بشمار میرفت تبدیل بوبرانه‌ای ساخت. شهرها با خاک یکسان گردید، ملیونها افراد مردم این مرزوبوم از دم تیغ بیدریغ و حشیان تاناری گذشتند و زبان ترکی و مغولی در بیشتر نقاط بر زبان فارسی پیشی جست.

بزرگان و علماء ایران در مقابل این خطر هم عاقلانه مقاومت کردند و بدستیاری امثال خواجه نصیر و خواجه شمس الدین در ترویج زبان و ادب فارسی تا جایی کوشیدند که سلاطین و امرای مغول خود کم کم مروج ادبیات فارسی شدند و در بارهای ایشان مرکز تجمع فضلا و ادباء نامدار گردید.

واقعه مغول اگرچه بزرگترین ضربت و مهیبترین بلائی بود که بر سر ایران و مردم ستم کشیده آن فرود آمد با این حال زبان و ادبیات فارسی رونق و عظمت خویش را از دست نداد و در ارکان وی تقریباً خللی وارد نیامد.

آثار و نتایج شوم دوره مغول از لحاظ ادب و دانش در عصر صفویه نمودار گردید. در این عهد سخن و علم و فضل رو با انحطاط نهاد و بساط ادب از رونق افتاد. گویندگان و نویسندگان چون مشوقی نیافتند راه دربار گورکانیان هند را در پیش گرفتند و بانتشار زبان و ادبیات فارسی در آندیار پرداختند.

این انحطاط در دوره بعد از صفویه و سلطنت نادر که فرصت نیافت از سخنوران و دانشمندان حمایت نماید خاتمه یافت و انواع ادب با ظهور نویسندگان و شعرای بزرگ رونق و عظمت اولیه خود را بدست آورد و در اثر حمایت حامیان سخن نظم و نثر به اوج ترقی و کمال رسید و شکوه و جلال دوره‌های پیشین در ادبیات تجدید گردید.

در سالهای اخیر یعنی از چهل پنجاه سال پیش باینطرف زبان و ادبیات باز با خطر عظیمی روبرو گردید. صنایع شکفت انگیز اروپا و انتشار لغات غربیان شیدان

را بر علیه زبان ولغت مادری بر انگیخت و با آنکه علوم و صنایع فرنك بدست نیامد نویسندگان و دانشمندان خود را مورد دشنام و استهزاء قرار دادند و در این راه چنان مبالغه و افراط کردند که اگر مستشرقان ادب دوست اروپا نام اساتید سخن فارسی را بعظمت نمی بردند شاید امروز نام و نشانی از زبان و سخنوران بزرگ در میان نبود .

عدم توجه بزبان بجائی رسید که تحصیل زبان فارسی در مدارس جدیدمورد بی اعتنائی قرار گرفت . دسته دسته جوانانی که با زبان مادری هیچگونه آشنائی نداشتند از مدارس خارج گردیدند ، گروه گروه لغات و کلمات بیگانه در زبان راه یافت طرز ترکیب بندی و جمله سازی فارسی در مطبوعات و کتب بویژه کتابهای درسی از آئین و دستور زبان خارج گردید . فرهنگستان لغات و کلمات مهممل و بیمعنی ابداع کرد تا آنجا که اگر مخالفت و مقاومت دانشمندان و ادبائی که از بقایای پیشینه بودند نبود امروز زبان شیرین و سخن دلپذیر پارسی وضعی بکلی دگرگون داشت اکنون هم اگر وضع بدینسان باشد و دانشمندان بدانگونه که پدرانشان در ایام خطر بدفاع پرداختند و مانع از آن گردیدند که سخن و ادب پارسی پایمال زور و قدرت دشمنان گردد در صدد چاره جوئی بر نیایند و در مقابل خطرات خارجی و بیخردان و مهممل سرایان داخلی فکری نیندیشند زبان و ادب فارسی متروک و کتب علمی و دواوین سخن که بزرگترین علامت ملیت و عظمت ایران است منسوخ خواهد گردید .

اینک از تمام فضلاء و دانشمندان دور و نزدیک انتظار داریم که طریق مداوای این دردهولناک را در مقالات محققانه خویش که قطعاً بزگترین خدمت بزبان و ادبیات پارسی است نشان داده برای درج بداره مجله ارمغان که بارها این موضوع مهم را مطرح نموده است ارسال دارند .

